نجف لک‌زایی، رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

نرم‌افزارهای اداره کشور هنوز اسلامی نیست

محسن جبارنژاد - محمد علی‌بیگی
روزنامه‌نگار

وحدت حوزه و دانشگاه غالبا به‌عنوان وحدت دو نهاد برای حل مشـکلات تعبیر می‌شود اما چنین وحدتی نمی‌تواند فارغ از وحدتی علمی یا مراوده و مبادله‌ای منظم و فکر شده باشد. از همین رو در گروه اندیشه «فرهیختگان» سراغ چند نهاد علمی که لزوما بر پایه چنین وحدت نظری تشکل یافته‌اند، رفته‌ایم که در روزهای آتی در صفحه اندیشه به چاپ خواهند رسید. چنان نهادی لازم است که تلقی‌ای از علوم انسانی و نسبت آن با علوم اسلامی داشته باشد و متناسب آن سامان یافته و مشغول فعالیت شده باشد. پس پرسش اول این خواهد بود که ایده‌ای که مبنای تاسیس و تشکیل آن نهاد علمی بوده، چیست و دوم آنکه اگر آن ایده دوام یافته، تا چه حد به مقصود نائل آمده است. طبعا سوالاتی فرعی مانند روند مراودات علمی و عملی میان این نهادها با نهادهای دیگر نیز می‌تواند ذیل این بحث مطرح شـود. اولین گفت‌وگو از این مجموعه با حجت‌الاسلام والمسـلمین، دکتر نجف لک‌زایی صورت گرفته است. دکتر لک‌زایی ریاست پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی را برعهده دارند که وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم است. این پژوهشگاه، از سال ۱۳۶۳ با عنوان «مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی» فعالیت خود را آغاز کرد و در سـال ۱۳۸۴ با مجوز وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تاسـیس شد. پژوهشگاه، نهادی حوزوی، انقلابی، پژوهشی و علمی است و بر آن است که با ایفای نقش واسط فعال میان حوزه‌های علمیه و نیازهای دینی مردم و نظام اسـلامی به «تبیین و گسـترش باور، بینش و ارزش‌های اسلامی و انقلابی» و «تعمیق و توسعه دانش و معرفت اسلامی» بپردازد.

عکس‌ها: وحید سرایی | فرهیختگان

وحدت حوزه و دانشـگاه را می‌تـوان از منظر ایده‌های وحدت علمی نیز مورد بررسی قرار داد. در رابطه با ایده‌ای که پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی براساس آن شکل گرفته است، توضیح دهید و نیز بفرمایید پژوهشگاه تا چه میزان در تحقق این ایده توفیق به‌دسـت آورده و در این مسیر چه موانعی وجود داشته است؟

پژوهشگاه، درواقع یک پژوهشگاه تقاضامحور و مساله‌محور است. یعنی از ابتدا که آن واحدهای و سلول‌های پژوهشی، به شـکل جداجدا تاسـیس شـدند (قبل از آنکه بخواهد پژوهشگاهی وجود داشته باشد) براساس نیازهایی که پس از پیروزی انقلاب اسـلامی به وجود آمد، شکل گرفتند و بلکه بعضی از کلان پروژه‌هایی که در پژوهشگاه تا الان هم پیگیری می‌شود، وقتی ریشه‌یابی می‌کنیم به قبل از انقلاب می‌رسد. حتی بعضی از آنها به زندان‌ها مربوط می‌شود؛ انقلابیونی که زندانی شـده بودند و نیازی را تشخیص داده بودند، فعالیت می‌کردند که این نیـاز را برطرف کنند. اگر بخواهیم اینها را کپسوله کرده و در یک تقاضا و به‌عنوان یک مساله آن را بیان کنیم، «ارائه اسلام به شکل کامل» است. در بهمن ۱۳۴۸ که امام بحث ولایت‌فقیه را شـروع کردند، این مطلب را مطرح می‌کنند که چرا امروز ولایت فقیه و حکومت اسلامی حتی در حوزه‌های علمیه بدیهی نیست و احتیاج به استدلال پیدا کرده اسـت. یعنی ما باید بیاییم و برای طلبه‌ها استدلال کنیم که به‌عنوان مثال، ضروری است حکومت اسلامی تشکیل شود. بعد طلبه از شما سوال می‌کند چه کسی این را گفته است؟ و چرا؟ چون نظر امام این است که [بحث ولایت فقیه و تشکیل حکومت] یک امر بدیهی است. بعد امام در همانجا سه جواب به این سـوال می‌دهند. یک جـواب آن مربوط به اقدامات اسـتعمارگران می‌شود که به بیان امام (در سال ۴۸) در این ۳۰۰ سـال اخیر خیلی در این راستا تلاش کردند. (تدریس امام در بهمن‌ماه بوده اسـت و ما، به‌طور ویژه، امسـال [در پژوهشگاه] به پنجاهمین سال تدریس ولایت فقیه خواهیم پرداخت (جلساتی می‌گذاریم و یک سری از کسانی که پای آن درس بودنـد را پیدا کردیم کـه بیایند و صحبت کنند و خاطرات‌شان از آن زمان را بگویند و نمایشگاهی در این زمینه در بهمن‌مـاه برگـزار خواهد شـد). عامـل دوم را امام به صهیونیست‌ها برمی‌گرداند و می‌گوید از صدر اسلام هم ما یهودیانی داشتیم که مخالف اسلام بودند. یعنی از همان صدر اسلام اینها مخالفت‌شان با اسلام شروع شد و یهودیانی هم بودند که نه [چنین جبهه‌گیری‌ای نداشتند]. در قرآن هم این وجـود دارد که یهودیان را دو دسـته می‌کند؛ یهودیانی که امانت‌دارند و یهودیانی که این‌طور نیستند. قرآن راجع به پیامبر می‌گویـد: «یعرفونه کما یعرفونه ابنائهم»، ولی در عین حال [پیامبر را] انکار می‌کنند. می‌گوید اینها از صدر اسلام بوده‌اند و الان هم هسـتند. بعد ایشان می‌فرمایند این مساله دلیل سومی هم دارد و آن این است که ما اسلام را به‌طور کامل در حوزه‌های علمیه معرفی نمی‌کنیم. پس درواقع «عدم معرفی اسـلام به شکل کامل»، باعث شده است امروز که می‌آییم از حکومت اسلامی، از دولت اسلامی و نظامات اسلام صحبت می‌کنیم، یک عده از خودی‌ها هم قبول نمی‌کنند و از ما دلیل مطالبه می‌کنند. در حالی که اگر کسی یک نگاه اجمالی به اسلام کند، متوجه می‌شود که اسلام فقط مجموعه‌ای از احکام عبادی و اخلاقی صرف نیست، بلکه نظام سیاسی، اقتصادی، حقوقی و جزایی دارد. در باب جنگ و صلح و در همه عرصه‌ها نظریه دارد. امام(ره) می‌فرماید حتی یک نگاه اجمالی این را به ما نشان می‌دهد. بعدا بحثی را در کتاب «اندیشه سیاسی اسـلامی معاصر» که آقای خرمشاهی آن را به فارسی ترجمه کرده اسـت، دیدم که در آنجا مرحوم حمید عنایت می‌گوید سیاست را هر جور تعریف کنیم، اسلام ذاتا یک دین سیاسی است. مثلا اگر بگوییم سیاست به‌معنای «علم دولت» است، اسـلام هم یک دولت دارد و پیامبر یک دولت تشکیل داده است. اگر بگوییم «علم قدرت» یعنی قدرت دولتی، پیامبر این قـدرت دولتی را مدیریت کرد. بگوییم «علم هدایت جامعه از وضع موجود به وضع مطلوب»، باز هم پیامبر این کار را انجام داده اسـت. یعنی شـما هر مدلی سیاست را تعریف کنید، [یعنی] آن را علم تصرف و کسـب قدرت [تعریف کنید]، این هم باز در اسـلام وجود دارد. البته فقط فرق آن این است که اسلام علم تصرف قدرت به هر قیمت و به هر روش نیست؛ علم تصرف قدرت و کسب قدرت با روش‌های سالم و براساس عدالت است نه با روش‌های ظالمانه. بعد از انقلاب اسلامی این مساله خودش را بیشتر و بهتر نشان داد که حالا یک دولتی براساس یک انقلابی که مبتنی بر اسـلام است، تاسیس شده و به هر حال این دولت نظاماتی می‌خواهد و اینها باید از متون دینی خارج شـود. بنابراین اولین تلاش‌هایی که در آن سلول‌ها و هسـته‌های اولیه در پژوهشگاه شکل گرفت، این بود که ما بیاییم منابع موجودمان را به شیوه‌ای استخراج و ساماندهی کنیم که مواد لازم برای کسانی که می‌خواهند این نظامات و نظریه‌ها را ارائه کنند، فراهم شود. کاری اینجا صورت گرفت کـه برای یک مجموعه حدیثی مثـل بحارالانوار یک معجم الفبایی تهیه شـود تا شما به‌دنبال هر بحثی که هستید، به شکل الفبایی بروید و آن احادیثش را پیدا کنید. یک کار مشابه آن برای قرآن شروع شد که ببینیم از هر آیه قرآن چه محتوایی قابل اسـتخراج اسـت. کار خیلی سنگینی بود که آن زمان دوسـتان ما انجام دادند و از هر آیه، هرچه استفاده می‌شود، فقط فهرست آن [موارد]، بدون توضیحی بیاید. مثلا بگوییم از این آیه ۱۰ مطلب می‌توان استفاده کرد. این انجام شد و در مرحله دوم موضوعات مشابه هم را که از آیات مختلف استفاده می‌شـد، یک‌جا تنظیم کردیم که به‌نام فرهنگ قرآن در ۳۳ جلد چاپ شـد. از حرف الف تا حرف یاء. مثلا هر آیه‌ای که درباره جنگ هست را ذیل مدخل جنگ تنظیم کردیم. مثلا این مدخل شامل آیاتی درباره آداب جنگ و مسائل مربوط به غنایمی که در جنگ گرفته می‌شود یا احکام مربوط به اسیر، شهیدو... در آن جمع شده است. در مرحله سوم تمام مباحثی که تاکنون مفسران و دانشمندان در برداشت از این مفاهیم قرآنی گفتند را هـم طبقه‌بندی کردیم و دایره‌المعارف قرآن شـکل گرفت که آن هم الفبایی است و ۱۶ جلد آن تاکنون چاپ شـده است و در همین هفته پژوهش از جلد شانزدهم آن رونمایی شـد. پیش‌بینی این امر طبق برنامه‌ریزی‌ای که شده، حدود ۳۰ جلد شود. این کار از شیوه دایره‌المعارف‌نویسی تبعیت می‌کند به این نحو که تمام یافته‌هایی که در باب یک موضوع بوده است، گردآوری، گزارش و ارائه می‌شود. در همین قسمت یک کار دیگری از همان حدود ۳۰ سال پیش شروع شد تا برای هر یک از علوم اسلامی یک نقشه داشته باشیم تا متوجه شویم که در این علم تا به‌حال چه داریم و اگر از این به بعد هم این علم بخواهد گسترش پیدا کند، حساب و کتاب داشته باشد. چراکه یک بحثی که جزو اهداف پژوهشگاه است و مهم‌ترین هدف آن است، تامین نیازهای دینی نظام اسلامی است. خب این نیازها را شما چطور تامین می‌کنید؟ با علوم اسلامی و در مرحله بعد با علوم انسانی. علوم اسلامی شما آیا توانایی این کار را دارند یا ندارند؟ اینجا بحثی شکل می‌گیرد در باب توانمندسازی علوم اسلامی. در بحث توانمندسازی علوم اسـلامی اولین اقدام این است که شما تزاروس علوم اسلامی یعنی آن نقشه علمی را که عرض کردم، تهیه کنید. این کار تا به حال برای ۱۰ رشته علمی انجام شده است. این تزاروس درواقع سـه بخش دارد؛ اصطلاحنامه، فرهنگنامه و نمایه‌ها. به‌طور مثال در علم فقه که سـال گذشته کار آن به اتمام رسـید، تمام دانش فقه ذیل حدود ۶۰ هزار اصطلاح طبقه‌بندی شد. یعنی نقشه علم فقه، حاوی ۱۰ هزار اصطلاح است. شکل کاغذی این پژوهش خیلی قابل استفاده نیست والان همه اینها به‌شکل آنلاین ارائه می‌شود. یکی از مشکلاتی که ما داشتیم در مورد تیم مهندسی‌ای بود که بتواند این سامانه را طراحی کند. با هر شرکتی که صحبت کردیم، نمی‌توانستند بگویند اگر ما هزینه کنیم، آیا می‌توانند چنین سـامانه‌ای را طراحی کنند یا نه. نهایتا هم مجبور شدیم این پروژه را به تیم مهندسی پژوهشگاه بسپاریم. شکر خدا، اینها موفق شدند. نسخه اول این سامانه در سال ۱۳۹۷ به بهره‌برداری رسید و امسـال نامزد جایـزه جهانـی (World Summit on the Information Society) WSIS هم شد. بدون اینکه ما اطلاع داشته باشـیم، این سامانه در سوئیس در جامعه اطلاعاتی جهانی کاندیدا شد. البته این کار ما هنوز در ایران مورد متوجه قرار نمی‌گیرد و خیلی راجع به تزاروس علوم اسـلامی چیزی نمی‌دانند. یعنی سطح دانش در حوزه علوم اسلامی و انسانی ما هنوز در حدی نیست که این بحث را متوجه شوند که چیست. عالمان معمولی علوم اسلامی و انسانی چندان متوجه اهمیت این موضوع نیسـتند، ولی متخصصان علـوم کتابداری و علم‌شناسی خیلی خوب متوجه اهمیت این کار می‌شوند. این کار از کارهایی بود که مورد توجه یونسـکو قرار گرفت و یونسکو آمد، به آن جایزه داد و تایید و تشویق کرد. دلیل آن هم این است که ما می‌توانیم علوم اسلامی را در سطح دنیا به‌عنوان علـم مطرح کنیم و آن را از امور فرهنگی صرف خارج کنیم و بگوییم اینها هم علم اسـت. این سامانه‌ای که طراحی شده اسـت، خودش افزوده‌هایی هم دارد. از جمله افزوده‌هایش این است که در هر بحثی که شما وارد شوید خودش به شکل هوشمند گراف‌های لازم را برای شما طراحی می‌کند. به‌عنوان مثال، شما اگر کلمه جهاد را جست‌وجو کنید بلافاصله گراف آن نیز برای شما ارائه می‌شود؛ اینکه جهاد دیگر با چه کلمات و اصطلاحاتی ارتباط دارد. به غیر از اینکه منظومه علمی فقها درخصوص جهاد را برای شما به نمایش می‌گذارد، ارتباط این را با هر اصطـلاح دیگری هم که به هر نحو و امکانی مرتبط باشد، طراحی و ترسیم می‌کند. به همین ترتیب، شما از طریق این واژه می‌توانید به تمامی مباحث دیگر هم برسید. سابقا اگر کسی می‌خواست در یک زمینه، تحقیقی انجام دهد باید ۶ ماه صرف جمع‌آوری اطلاعات می‌کرد اما در حال حاضر این اطلاعات یک دقیقه‌ای در اختیارش قرار می‌گیرد، مضافا بر اینکه افزوده‌هایی هم دارد. درحقیقت دقت در آن بالاتر هم هست. منظور من این است که اگر قبلا ۶ ماه تلاش می‌کرد، باز هم به این صورت نمی‌توانست اطلاعات داشته باشد علاوه بر اینکه اینجا فعالیت عمومی هم شـده است. به‌عنوان مثال، یک دانشجوی معمولی هم اگر با این سامانه آشنا شود و دانش بهره‌برداری از این سامانه را پیدا کرده و در یک کارگاه آموزشی شرکت کند، خیلی راحت می‌تواند از آن استفاده کند. بنابراین زیرساخت‌های دانش که در پژوهشگاه در اولویت قرار گرفته بود، فراهم شده است.

> ما نمی‌توانیم با نظریه‌های سیاسی مارکسیستی یا لیبرالیستی، محافظه‌کارانه یا فمینیستی، یا هر ایسم دیگری بگوییم می‌خواهیم جمهوری اسلامی را اداره کنیم. البته این کار درحال حاضر صورت می‌گیرد و نتیجه آن هم همین است که می‌بینید. الان کشور ما با نرم‌افزارهای غالبا غیراسلامی اداره می‌شود، ولی هزینه آن را باید قشر متدین، مومن و مسلمان و اسلامیت نظام بپردازد

غیـر از فعالیت‌هایی که به تمهیـد پژوهش‌های حوزه علوم اسلامی بازمی گردد، پژوهشگاه چه فعالیت‌های دیگری داشته و دارد؟

بعد از آن فعالیت‌ها [که گفته شد]، به‌مرور و با توجه به نیازهایی که در کشـور مطرح می‌شد، وارد مباحث دیگر شدیم. مثلا الان یک نظام سیاسی مبتنی بر اسلام تشکیل داده‌ایم، حالا سیاست اسلامی چیست؟ سیاسـت اسلامی به‌مثابه یک دانش؛ سیاست اسلامی به‌مثابه یک فعل و کنش. دوستان آمدند و ایده «سیاست متعالیه» را مطرح کردند. یعنی طراحی دانش سیاسی اسلامی براسـاس مبانی فلسفی اسلامی. چون علوم انسانی رایج به‌لحاظ فلسفی مبتنی بر فلسفه‌های غربی اسـت و در آن هم تردیدی نیست. مثلا چرا می‌گوییم نظریه‌های مارکسیستی؟ چون این نظریات مبتنی بر فلسفه و پیش‌فرض‌های مارکسیستی است یا اگر می‌گوییم نظریه‌های سیاسی لیبرالیستی چون مبتنی بر مبانی فلسفی لیبرالیستی از جملـه Secularism، Individualism و Humanism است. حالا ما نمی‌توانیم با نظریه‌های سیاسی مارکسیستی یا لیبرالیسـتی، محافظه‌کارانه یا فمینیسـتی، یا هر ایسم دیگری، بگوییم می‌خواهیم جمهوری اسلامی را اداره کنیم. البتـه این کار درحال حاضر صورت می‌گیرد و نتیجه آن هم همین است که می‌بینید. الان کشور ما با نرم‌افزارهای غالبا غیراسلامی اداره می‌شود، ولی هزینه آن را باید قشر متدین، مومن و مسلمان بپردازد. بودجه‌ها صرف علوم انسانی وارداتی می‌شود ولی هزینه آن را چه کسی باید بپردازد؟ شما هنوز دارید در سیستم بانکداری ربا می‌گیرید و بانکداری شما مبتنی بر نظام سرمایه‌داری و سرمایه‌سالاری است، ولی هزینه آن را باید اسلامیت نظام پرداخت کند. چرا ما باید چنین کاری انجام

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۱۴

دهیم؟ اتفاقا خیلی از این مجموعه‌ها هم با انگیزه‌های شخصی فعالیت می‌کنند و درواقع به‌زور خودشان را می‌چسبانند که ما می‌خواهیم نیازهای نرم‌افزاری و فکری نظام را برطرف کنیم ولی هیچ مجموعه‌ای هم به اینها محل نمی‌گذارد.

در فقه هم مسائل مستحدثه در اولویت پژوهشگاه قرار گرفت و در بخش اخلاق هم اخلاق حرفه‌ای به پژوهشگاه وارد شد و در اولویت قرار گرفت. در بخش فلسفه و کلام، فلسفه‌های جدید و به‌ویژه امتداد سیاسی اجتماعی فلسفه اسلامی و نقد فلسفه‌های غربی مورد توجه و در اولویت قرار گرفت. در بخش مباحث تاریخ اسـلام، کشف سیره اهل بیت علیهم‌السلام و پیامبر اسلام(ص) در اولویت قرار گرفت. بحث خانواده با توجه به اهمیت خانواده -به‌عنوان سلول بنیادی جامعه- در کانون توجه پژوهشـگاه قرار گرفت. خود بحث‌های جامعه‌سازی و بحث‌های دولت‌سازی و حتی در بخش تراث اسلامی، میراثی مورد توجه قرار گرفت که می‌تواند به‌لحاظ راهبردی، برای امت اسلامی هویت‌سـازی کند. ما آمدیم و گفتیم علمای بزرگ لبنان در بخش احیای تراث در اولویت ما هسـتند تا نشان دهیم که لبنان، به‌لحاظ پیشینه، پاره تن اسلام بوده است. آمدیم موسوعه شهید اول و شهیدثانی و شرف‌الدین احیا را تهیه کردیم و در خود لبنان هم رونمایی و بعد منتشر شد. الان موسوعه شیخ بهایی را در دست تهیه داریم که ان‌شاءالله در سال آینده رونمایی می‌شود. این پیوندهای ایران و لبنان است.

پروژه‌هـا طی چه روندی و با چه شـاخص‌هایی طرح و اولویت‌بندی می‌شـوند؟ آیا ملاحظـه فایده در تعریف پروژه‌ها می‌شود؟ آیا می‌شود گفت اغلب پروژه‌ها محضا علمی‌اند و ناظر به هدف خاصی نیستند؟

ما هیچ پروژه‌ای نداریم که مساله‌محور نباشد و همین‌طوری و تفننی و باری به هر جهت فعالیتی را شروع کنیم. نه، این‌طور پروژه‌ای وجود ندارد. در آن سلسله‌مراتبی که پروژه‌ها تصویب می‌شود حتما پروژه باید برای اینکه در اولویت قرار بگیرد توجیه لازم را داشته باشد، چون پروژه زیاد است. به‌عنوان مثال، میراث نسخ خطی ما خیلی زیاد است، حالا شما از این میراث عظیم کدام‌هـا را برمی‌دارید و تصحیح می‌کنید؟ این باید ملاک و اولویت انتخابش خیلی قوی باشد. درخصوص عراق ما علمایی را درنظر گرفتیم که جامع و معرف همه اسلام باشند. در این فضا به مرحوم محمدحسین کاشف‌الغطاء رسیدیم. خاندان کاشف‌الغطاء، از دوره قاجار به شروع می‌شود و به محمدحسین کاشف‌الغطاء- که در دوره جدید است- می‌رسد. اینها خاندانی بودند که به همه ابعاد اسلام توجه داشتند. فقط بخش موسوعه کلامی ایشان تا الان ۱۶ مجلد شده است. بخش فقهی آن- که همین هفته از چاپ درآمده است- ۲۷ مجلد شده است. بخش سوم آن [موسوعه] آثار سیاسی، اجتماعی، تاریخی، شعر و... است. یعنی ایشان یک فقیه ضدصهیونیستی و تمدن‌گرا و طرفدار احیای تمام اسلام است. این‌طور شد که پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با ۳۳ گروه فعال (در وضعیت کنونی) ۱۰ پژوهشکده و دو مرکز شکل گرفت که به این مباحثی که گفتم می‌پردازند و این هدف اصلی را به چند صورت و مدل می‌توان گفت که عبارت اخرای همدیگر می‌شود. یعنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مرکزی است که می‌خواهد اسلام را به شکل کامل معرفی کند. یا بهتر اسـت بگوییم پژوهشگاهی است که به‌دنبال توانمندسازی علوم اسلامی برای پاسخگویی به دغدغه‌های نظام سیاسی جمهوری اسلامی است. یا این‌طور بگوییم پژوهشگاهی اسـت که می‌خواهد به اندیشه‌های دینی عمق ببخشد و از ظواهر عبور کند و ایمان را در جامعه عمق دهد. یا بیاییم بگوییم پژوهشگاهی است که می‌خواهد هویت جامعه اسلامی و امت اسلامی را پیوسته تقویت کند و از دستبردهایی که به آن می‌شود، در حد توان و تلاش خودش محفـوظ نگه دارد. حالا اگر بخواهد این فعالیت‌ها را صورت دهد، حتما باید در حـوزه متدولوژی هم کار کند. یعنی در حوزه‌های تولید روش‌های اجتهاد و اسـتنباط باید فعالیت داشته باشد. حتما باید در حوزه فعالیت‌های نوین وارد شود و به‌عنوان ابزار از اینها استفاده کند.

طبیعتا ما فقط به‌دنبال این نیستیم که یک کاری تولید شد و بقیه آن به ما مرتبط نیست. خیر. ما باید دنباله این را بگیریم تا آن را به‌دست مصرف‌کننده برسانیم. حتی ممکن است آن شخص نداند که چنین نیازی دارد. توجه داشته باشید در بحث علم، بخشی از قوام علم و پژوهش به پژوهشگر مربوط می‌شود و بخشـی از آن به نهادی مربوط می‌شود که این علم را تولید می‌کند اما بخشی از آن نیز به جامعه برمی‌گردد. آیا جامعه ما مطالبه‌گر هست؟ به‌عنوان مثال، جامعه در بخش مواد غذایی، مطالبه‌گر است؛ نان می‌خواهد، پس باید نانوایی هم وجود داشته باشـد که برای این نان تولید کند. آیا در بخش علوم اسلامی، جمهوری اسلامی مطالبه‌گر است؟ مجلس شورای اسلامی مطالبه‌گر است؟ مجلس این مطالبه را دارد که علوم اسـلامی و فقه اسلامی را به من برسانید تا آن قانونگذاری کنم؟ آیا وزارتخانه‌های مختلف مطالبه‌گر هستند؟

آیا چنین مواردی از مطالبه را داشـته‌اید؟ از پژوهشگاه مطالبه‌ای می‌شود؟

به‌صورت خیلی ضعیف. بنابراین این هم بر دوش ما می‌افتد. آیا رسانه‌های ما به‌معنای عام به این نکته توجه دارند که باید به چنین مطالباتی دامن بزنند؟ در رشته‌های علوم اسلامی ما فقه تا حدودی این شانس را دارد، آن هم نه از سوی دستگاه‌های دولتی، از سـوی جامعه و مردم. به‌عنوان مثال، شرکت‌های هرمی پیدا می‌شـوند و طرف آدم متدین و معتقدی است، از مرجع تقلیدش استفتا می‌کند که ورود به شرکت‌های هرمی چه حکمی دارد؟ طرف می‌رود و سرمایه‌اش در بانک می‌گذارد. می‌بیند که بانک ربا می‌گیرد و ربا می‌دهد و... برای این فرد سوال پیش می‌آید و به مرجع تقلید خودش این سوال شرعی را ارائه می‌کند و مرجع تقلید می‌آید و پاسخ می‌دهد. یعنی یـک مطالبه فردی و اجتماعی صورت گرفته اسـت و به آن پاسخ داده می‌شود.

قوام دانش فقه تنها به مرجع تقلید نیست و به مقلدان آن هم هست. اما آیا در اقتصاد اسلامی این اتفاق افتاده است؟ آیا در سیاست اسلامی این اتفاق افتاده است؟ یعنی به‌عنوان مثال، وزارت خارجه ما به دنبال مکتب سیاست خارجی اسلام هست؟ آیا شورای عالی امنیت ملی ما به دنبال مکتب امنیتی اسلامی هست؟ دنبال نظام دفاعی اسلام هست؟ آیا وزارت علوم ما به دنبال طبقه‌بندی دانش از منظر اسلامی هست؟ آیا دنبال علوم اسلامی هست؟ آیا اصلا دستگاه‌های رسمی ما چنین دغدغه‌ای دارند؟ آیا کمیسـیون آموزش و تحقیقات مجلس ما چنین دغدغه‌ای دارد که بین اسلام و علم به معنای عام و بین اسلام و علوم انسانی به معنای خاص، چه نسبتی برقرار است؟ آیا آموزش‌وپرورش ما مبتنی بر یک نظریه علم اسلامی فعالیت می‌کند؟ یا منتظر می‌مانند تا رهبری شخصا از اینها بپرسند شما براسـاس کدام نظریه علم اسلامی کتاب‌های آموزش‌وپرورش را تالیف می‌کنید و بگویند: «هیچ!» و ایشان بگویند: «بروید دنبال مراکز پژوهشی حوزوی و این نیازتان را با آنها در میان بگذارید». دوستان سراغ ما آمدند و ما هم شروع کردیـم و به اتفاق هم داریم فعالیت‌هایی را انجام می‌دهیم. یکی از بخش‌های ویژه فعالیت‌های ما بحث آموزش‌وپرورش و مسائل مربوط به آن است. بنابراین ما در این قسمت چون ضعف داریم مجبوریم خودمان دنبال این قسمت هم باشیم. لذا دوستان سعی کرده‌اند از فناوری‌های نوین استفاده کنند. آن زمانی که هنوز مرسوم نبود، اپلیکیشن و سامانه‌پژوهان را در پژوهشکده طراحی کردیم که همه این آثار همزمان با چاپ کاغذی و گاهی اوقات هم حتی زودتر، به شـکل دیجیتال در کتابخانه همراه‌پژوهان برای سیستم عامل‌های ویندوز، اندروید و ios منتشر می‌شود. همین‌طور از دیگر پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌ها و ناشرانی که آثارشان را در مسیر اهداف خودمان می‌بینیم در بستر سامانه‌پژوهان ارائه می‌دهیم. از این نظر من می‌گویم پژوهشگاه مساله‌محور است. اما چرا می‌گویم تقاضامحور است؟ چون ما هیچ پروژه‌ای را انجام نمی‌دهیم مگر زمانی که متقاضی وجود داشـته باشد. معمولا بیش از ۹۰ درصد از پروژه‌های ما از دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم است؛ یعنی این دفتر تبلیغات اسلامی است که می‌گوید شما این گروه علمی را برای ما تاسیس کنید و بالطبع هزینه‌ها را هم خودشان می‌پردازند. یا مثلا این هیات علمی را در این رشـته جذب کنید یا این پروژه را انجام دهید و ما پشتیبانی می‌کنیم. روشی دیگری هم باز در کار ما وجود دارد و آن این است که اگر کاری را فردی به تنهایی بتواند انجام دهد ما وارد آن نمی‌شویم و می‌گوییم اگر این یک رساله دکتری شود ما آن رساله را حمایت می‌کنیم. ما در پژوهشگاه کارهایی را انجام می‌دهیم که لازم است توسط بیش از یک فرد انجام شود و به گروه نیاز باشد. مثلا همان دایره‌المعارف یا اصطلاح‌نامه‌های علوم اسلامی که عرض کردم. یک پژوهشکده تاسیس کرده‌ایم به نام «مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی» که فعالیت همه گروه‌های علمی آن همین است. درواقع فعالیت ما شبیه یک مجسمه‌سازی است که ۴۰ تا ۵۰ نفر را به خدمت می‌گیرد و به هرکدام تیشه و نقشه‌ای می‌دهد و می‌گوید این گوشه سنگ را شـما تراش دهید. شما نگاه می‌کنید و می‌بینید ۴۰، ۵۰ نفر به جان این سنگ افتاده‌اند. دارند چه کار می‌کنند؟ دارند سنگ را از بین می‌برند؟ ولی بعد از مدت زمانی می‌بینید که از آن یک مجسمه زیبا تهیه شده است. یا اگر بخواهیم تشبیه دیگری از کارمان بکنیم کار ما مثل معمار می‌ماند. ما منابع انسانی مختلف را به کمک می‌گیریم تا یک کار انجام شود؛ می‌توانیم آن را تامین نیازهای انسان جدید و نهادهای جدید و نظامات جدید براساس اسلام یا تعمیق اسلام یا توانمندسازی علوم اسلامی اطلاق کنیم.

به نظر این کار، کار مهمی است تا جایی که مراکز پژوهشی در کشور را بررسی کردیم. خیلی‌ها به‌لحاظ راهبردهای پژوهشی آنقدر راهبردی نیستند و نمی‌اندیشند. بعضا در خیلی از مراکز مخصوصا در دانشگاه‌ها و برخی پژوهشگاه‌هایمان با یک سری از تک‌نگاری‌هایی روبه‌رو می‌شویم که شما زمانی که اینها را روی میز می‌بینید، متوجه نمی‌شوید که اینها چه ارتباطی با هم دارند و حتی بعضا برای انجام آنها اصلا لازم نبوده اسـت که یک دانشگاه یا پژوهشگاه یا یک گروه علمی تاسیس شود. شما می‌توانستید اینها را به شکل جسته و گریخته به افرادی سفارش بدهید تا آنها را انجام دهند.

در سال‌های اخیر که مقام معظم رهبری برخی از سرفصل‌های جدید را مطرح کردند ما سعی کردیم به‌عنوان اولین سازمان پژوهشی و شاید بزرگ‌ترین پژوهشگاه علوم اسلامی کشور، این موارد را مورد توجه قرار بدهیم. مثلا بحث سـبک زندگی از کلان پروژه‌های ویژه ماسـت. ما دانشنامه سبک زندگی قرآنی را بعد از سخنرانی رهبری در بجنورد در دستورکار قرار دادیـم و تاکنون ۱۶ مدخل آن در قالب ۱۶ کتاب منتشـر شده اسـت. زمانی که مدخل‌ها تمام شود این مجموعه در قالب یک دانشنامه منتشر خواهد شد. با توجه به نیاز جامعه ما نمی‌گذاریم این دانشـنامه چند سال بماند و بعد به نشر آن اقـدام کنیم. هر مقداری که آماده می‌شـود، در اختیار جامعـه علمی قرار می‌دهیم. یا به‌طور جدی به بحث تمدن نوین اسلامی پرداختیم و یک گروه مستقل مطالعات تمدنی در قم تاسـیس کردیم. در مشهد هم کل پژوهش‌های مرکز پژوهشی که در مشهد داشتیم را یک بازنگری با رویکرد تمدنی در آن انجام دادیم و عنوان آن به «پژوهشکده اسلام تمدنی» تغییر کرد تا اساسـا مطالعه اسلام را با رویکرد تمدنی انجام دهد. مثلا یکی از فعالیت‌های آنها در آنجا این است که فقه کاربردی را پیگیری می‌کنند و کاربرد فقه در عرصه شهرسازی یکی از کلان پروژه‌های پژوهشکده اسلام تمدنی ما در مشهد است. بنابراین این بخش‌ها هم باز به‌عنوان یک مسائل ویژه مدنظر قرار گرفت.

یا در مورد بحث نظریه‌پردازی و کرسـی‌های آزاداندیشی و نهضت نرم‌افزاری را که حضرت آقا مطرح کردند، ما نشست‌های علمی و کرسی‌های ترویجی و تخصصی را به شکل جدی در دستورکار قرار دادیم و امروز براساس آمارهای هیات حمایت از کرسـی‌های شـورای عالی انقلاب فرهنگی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسـلامی، در کشور رتبه اول را دارد. بعضی از کرسی‌های نظریه‌پردازی با موفقیت دفاع شده است. بعضی‌ها ارائه‌دهنده و مدعی نظریه بوده است اما به‌عنوان نوآوری تایید شده‌اند و برخی تایید نشده‌اند بعضی هم در دست انجام است. می‌خواهم بگویم بابی هم در این قسـمت باز کردیم و سعی کردیم در جهت فرهنگ‌سازی، گفتمان‌سازی، جریان‌سازی و ارتباط علمی میان نخبگان هـم گام‌هایی برداریم. البته نسـبت به آنچه که باید باشیم و دوسـت داریم که باشیم و در آرمان‌هایمان هسـت، خیلی فاصله داریم و باید بیش از پیش تلاش کرد ولی وقتی به پشـت سرمان نگاه می‌کنیم می‌بینیم الحمدلله قدم‌های خوبی برداشته شده است. مخصوصا در حوزه تربیت منابع انسانی فعالیت‌های خوبی صورت گرفته اسـت. به نظر من بیش از این تولیدات علمی‌ای که ما داریم، خود این منابع انسانی است که بسیار مهم است. وقتی شما هیات علمی جذب می‌کنید آن هیات وارد گروه می‌شـود و با تخصصی که دارد می‌تواند سال‌ها فعالیت کند. بعد از مدتی شما می‌توانید بگویید امروز در حوزه علوم سیاسی افرادی را دارم که می‌توانند در هر همایشی اعم از بین‌المللی و داخلی و در هر جایی که بحث از علم سیاست مطرح باشد، وارد بشوند و حرف برای گفتن داشته باشند. چنانچه دانشمندان علوم سیاسی در دنیا زمانی که می‌خواهند در حوزه سیاست اسـلامی فعالیتی صورت دهند، پیش ما می‌آیند. یعنی اگر به دانشگاه‌های دیگـر ایران هم بروند به آنها می‌گویند اگر سیاسـت اسلامی می‌خواهید باید به قم بروید. البته در بعضی رشـته‌ها هم ما اصلا وارد نشدیم که می‌تواند یکی از این دو دلیل را داشته باشد؛ یا جاهای دیگر قبل از ما وارد شده‌اند یا اینکه اصلا در اولویت‌های ما قرار نگرفته‌اند.

مثل چه رشته‌هایی؟

ما وارد اقتصاد نشـدیم. در پژوهشگاه‌های دیگری در قم که رویکرد اسلامی هم دارند فعالیت می‌کنند و در بخش اقتصاد فعال هستند. نه اینکه اصلا وارد پروژه‌های اقتصادی نشده باشیم. ما به‌لحاظ مسائل مستحدثه فقهی در بعضی پروژه‌های اقتصادی که به ما واگذار شـده اسـت، ورود کرده‌ایم. ولی به‌عنوان مثال اصلا وارد بحث مدیریت نشدیم. بعضی رشته‌ها هم اصلا در اولویت‌های ما قرار نگرفته و ممکن است جاهای دیگر هم وارد آن حوزه نشده باشند. البته فعلا امکانات ما هم اجازه نداده است که ما آنها را در اولویت قرار دهیم. به‌عنوان مثال، بحث باستان‌شناسی با رویکرد اسلامی از پروژه‌هایی اسـت که خیلی از افراد و مراکز مختلف سـراغ ما آمده‌اند و البته فعالیت لازم و خوبی هم هست، ولی ما هنوز به آن ورود نکرده‌ایم. چون دیدیم یا نباید وارد آن شویم یا اگر وارد شویم، باید سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی صورت گیرد. مستحضرید بعضـی از مباحثی که در قرآن آمده اسـت، به بحث‌هایی اشـاره دارد که اگر بخواهد حق آنها ادا شود باید با مباحث باستان‌شناسی صورت پذیرد. باید برویم سراغ باستان‌شناسان و به‌عنوان مثـال، درخصوص حضرت نوح تحقیق کنیم که داستان چه بوده است. آیا صحبت‌هایی که می‌شود درست است یا نه. قرآن چه چیزی را می‌گوید؛ یا درخصوص اصحاب کهف. اینها مباحث خوبی اسـت و بعضی‌ها هم به آن ورود کرده‌اند اما به هر حال ما وارد نشده‌ایم، به‌خاطر اینکه احساس می‌کردیم امکانات و سرمایه‌گذاری‌های لازم در این بخش را در حال حاضر نداریم.

درمـورد ورود بـه هرکـدام از این موضوعـات اعم از نسخه‌شناسی و تصحیح تا تنقیح آرا و ورود به مسائل و روش‌های اصولی و حتی رجالی، آیا روش خاصی مدنظر است؟ از قبل، اینها به‌صورت متدیک [ذیل متد و روش خاصی] کار می‌شود یا باب بحث از متد را باز گذاشته‌اید؟ یا پژوهشگاه طرحی اعلامی یا مانیفستی در این خصوص دارد؟

بله؛ بخشی از آن منتشر شده است. مثلا در حوزه فقه، مکاتب فقهی را دوسـتان کار کرده‌اند و منتشر شده است. در حوزه نظریه‌پردازی یکی از قسـمت‌های سخت، نظریه‌پردازی در فقه اسـت که آیا فقه غیر از دانشی است که دارد تولید حکم می‌کند؟ معمولا احکام هم در قالب گزاره‌ها یا تک گزاره‌هایی هستند، اما آیا فقه می‌تواند نظریه هم تولید کند؟ یعنی ما از دانشی به‌عنوان فقه می‌توانیم این انتظار داشته باشیم؟ یا آیا از فقه می‌توانیم انتظار داشـته باشیم نظام‌سازی کند و نظام ارائه دهد؟ می‌توانیم از فقه انتظار داشته باشیم نظریه دولت اسـلامی را به ما ارائه کند؟ لازمه آن این است که شما فعالیتی را در قالب نظریـه یا نظام و امثال آن انجام دهید. کتاب «نظریه‌های فقهی» که درخصوص این موضوع است که آیا در فقه امکان اینکه نظریه داشته باشیم وجود دارد یا نه، منتشر شده است. آنجا -درباره اینکه نظریه چیست و ویژگی نظریه‌های فقهی چیست- مفصلا با نخبگان گفت‌وگو و بحث شده اسـت. در تصحیح هم همین‌طور. یک نظام تصحیح و تحقیق ویژه‌ای برای آثار داریم که باعث شـده تقریبا تمام آثاری که در مرکز احیای آثار ما منتشر شده است، کتاب سال شود. حالا یا کتاب سال جمهوری اسلامی شده یا کتاب سال حوزه شده است، یا کتاب سال جشنواره فارابی شده است یا حتی دو عنوان کتاب حوزه و کتاب سـال جمهوری اسلامی را کسب کرده است. البته این اتفاق نمی‌تواند بیفتد که هم کتاب سال فارابی شود و هم کتاب سال جمهوری اسلامی، چون آنها لیست مبادله کرده و تکرارها را حذف می‌کنند. یعنی اگر اثری در یک جایزه برنده شـود در آن یکی آن اثر را از دور خارج می‌کنند تا فرصت برای بقیه فراهم شـود. به هر حال درخصوص تصحیح هم دوستان یک نظام متقنی را طراحی کرده‌اند که این فعالیت‌ها را انجام دهد. در بخش‌های دیگر هم همین‌طور است. وقتی در موضوع اندیشه‌های سیاسی متفکران مسلمان کار را شروع کردیم، اولین سوال ما این بود که با چه روشی یا با چه روش‌هایی می‌شود این کار را انجام داد. به‌قول هرمنوتیسین‌ها، معنا کجاست؟ شما می‌بینید عالمی هزار سال پیش زندگی کرده است و می‌خواهید یک موردی را به آن نسبت دهید، این با چه روش و منطقی باید انجام گیرد که تفسیر بما لا یرضی صاحبه صورت نگیرد.

در تهران یک مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسـلامی وجود دارد که خودش تبدیل به یک نهاد شده است اما در قم طلبه‌های بی‌ادعایی نشسته‌اند و کار می‌کنند. کافی است در تهران یک کار شبیه کارهای ما انجام شود، چنان غوغایی راه می‌افتد و برنامه‌هایی می‌گیرند که مثلا وزیر آمده و نهایتا یک کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای قرار است رونمایی شود! واقعا خنده‌دار است! انگار تولید علم در کشور خشکیده است. چند روز پیش قفسه‌ای تدارک دیده بودند که کتاب‌های ما از آذرماه سال قبل تا آذرماه امسال در آن جا نشد! ۲۷۰ عنوان که برخی از آنها ۱۰ جلد است و این آثار کل دفتر تبلیغات بوده که ۱۲۱ اثر آن مربوط به پژوهشگاه بوده است.

اخیرا بخش مجلات انگلیسی ما هم شروع به کار کرده و اولین آن برای پژوهشـکده علوم‌سیاسی و بعدی مربوط به پژوهشکده فلسفه و کلام است. ان‌شاءالله که با تلاش، حضور و قلم شـما بخشی از این کارها معرفی و دیده شود. خود آن سامانه پژوهان هـم به‌نظر من پدیده‌ای اسـت. الان از پنج‌هزار جلد کتاب هم عبور کرده است. آثار خودمان از جمله سیاست متعالیه را هم در این سامانه قرار داده‌اند.

تـا به حـال در فضای رسـانه‌ای مربوط به حوزه اندیشه، از کارهای تصحیح پژوهشگاه کمتر دیده و شنیده‌ایم.

بزرگ‌ترین مرکـز تصحیح در حوزه جهان اسـلام متعلق به پژوهشگاه اسـت. میـراث مکتـوب به‌لحاظ تکنولوژی تصحیح و تحقیق تک‌نسخه است و نمی‌تواند به‌صورت پروژه‌های راهبردی مثلا در اندازه موسوعه فارابی انجام شود. قزاقستانی‌ها اخیرا یک هیات ۳۰ نفره راه‌اندازی کرده‌اند که به‌خاطـر فارابی پیش مـا بیایند. آنها می‌گویند فارابی متعلق به ماسـت و ما هـم گفتیم ایرادی نـدارد بیایید با هم همکاری کنیم و قرار اسـت ما همزمان موسـوعه فارابی را در ایران و قزاقستان رونمایی کنیم.

یعنی پژوهشگاه، مراودات بین‌المللی هم دارد.

بله؛ سـفیر واتیکان را بـرای همایش «جاودانگی نفس در اسلام و مسیحیت» دعوت کردیم و دوستان ما هم به ایتالیا و واتیـکان رفتنـد و همایش اول هم با همکاری هر سـه گروه مسـیحیت برگزار شده است. این هم همین‌طور، ان‌شاءالله در اسفندماه برگزار می‌شود. لیست همایش‌های ملی و بین‌المللی ما هم در نمایشـگاه [دستاوردها که در حال برگزاری است] موجود است. بزرگ‌ترین همایـش «گام دوم» هم با همکاری دفتر تبلیغات بیست‌وسـوم بهمن‌ماه برگزار می‌شود. همایش ایران و جهان عرب هم دوم دی‌ماه برگزار خواهد شد. مواردی از این دست باز هم وجود دارد و هرکدام از اینها می‌تواند سرفصلی برای کار و فعالیت باشد.

> وزارت خارجه ما به دنبال مکتب سیاست خارجی اسلام هست؟ آیا شورای عالی امنیت ملی ما به دنبال مکتب امنیتی اسلامی هست؟ دنبال نظام دفاعی اسلام هست؟ آیا وزارت علوم ما به دنبال طبقه‌بندی دانش از منظر اسلامی هست؟ آیا دنبال علوم اسلامی هست؟ آیا اصلا دستگاه‌های رسمی ما چنین دغدغه‌ای دارند؟ آیا کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس ما چنین دغدغه‌ای دارد که بین اسلام و علم به معنای عام و بین اسلام و علوم انسانی به معنای خاص، چه نسبتی برقرار است؟